

خبر

وکیل شرکت نفت:

اگر می‌دانستیم زنجانی در بانک‌ها پول دارد صبر می‌کردیم

● **تسنیم:** وکیل‌مدافع شرکت ملی نفت ایران، گفت: اگر می‌دانستیم و مشخص می‌شد که زنجانی در فلان بانک پول دارد و به‌دلیل تحریم، امکان نقل و انتقال بانکی وجود ندارد، صبر می‌کردیم؛ اما بایک زنجانی هر روز یک دروغی می‌گوید و مشخص نمی‌کند پول‌ها را چه کرده است. غلامرضا مهدوی گفت: ما نیز در راستای اظهارات اخیر دادستان کل کشور، معتقدیم ثروت زنجانی، افسانه و دروغ است. بایک زنجانی تا یک سال قبل از بازداشت، هر روز به مسئولان شرکت نفت و HK وعده و وعید می‌داد.

ادامه از صفحه اول

مورد خاص ایران هسته‌ای

برای یافتن یک راه‌حل «مرضی‌الطرفین» روی آورده‌اند، یک شکست بزرگ برای شورای امنیت و اعضای آن و یک پیروزی بزرگ برای ایران بود. این نکته‌ای بود که تمام مخالفان غیرایرانی مذاکرات، روی آن تاکید داشتند. در رویه همیشگی شورای امنیت، «مرضی‌الطرفین» معنا نداشته است. شورا نسخه می‌پیچد و دیگران باید اطاعت کنند. اینکه پنج کشور عضو دائم و دارای حق وتوی شورای امنیت به اضافه آلمان، که خواستار عضویت دائم است، با کشوری که از منظر آنان ناقض مصوبات شورای امنیت است پای میز مذاکره ننشسته و به راه‌حل جامعی رضایت می‌دهند که نظر ایران نیز در آن لحاظ شده باشد، از اهمیت زایدالوصفی برخوردار است. فراتر از برجام، اینکه بدون اجرای قطع‌نامه‌ها که تعلیق کامل هرگونه فعالیت مربوط به هسته‌ای جزء حداقل‌های آنها بود، شورای امنیت دست از تحریم‌های خود کشیده، موضوع را از فصل مهمت خارج کرده و روند قطعی خروج موضوع از دستورکار خود را پیش‌بینی کند و از آن بالاتر، آن دولتی که هدف تحریم‌ها و مجازات‌های شورای امنیت بوده، خود در تکرارش متن قطع‌نامه جدید شورای امنیت مشارکت داده شود، یک اتفاق بی‌سابقه و یک خرق عادت در نظام سازمان ملل متحد محسوب می‌شود. پس از این دو گام، گام بعدی در مسیر بازگردن پیچ‌ومهره مکانیسم‌های اجرایی بین‌المللی علیه ایران، مخته‌موه‌کردن پرونده اتهامی در آژانس است. اهمیت قطع‌نامه اخیر را در این است که شورای حکام، تاکنون موضوعی را در دستور کار داشت که بر مبنای یک‌سری اتهامات و ادعاهای طرح‌شده مبنی بر تخلف ایران از آبی‌تی و موافقت‌نامه پادمان شکل گرفته بود. این تحول بزرگی که این روزها همه از آن صحبت می‌کنند، این است که با قطع‌نامه جدید، آژانس موضوع قبلی را از دستورکار خارج کرده و به جای آن، مسئله راستی‌آزمایی اجرای سندی را در دستورکار خود قرار می‌دهد که این سند مورد توافق و رضایت ایران و نتیجه مذاکراتی است که در آن، ایران موفق به تأمین خواسته‌های خود شده است. یعنی باز، عنصر توجه به خواست ایران است که نقش مهم خود را ایفا می‌کند. این دستاورد کمی نیست. طبیعی است قدرت‌های بزرگ مایل نباشند حاصل خودداری ایران از تبعیت از مصوبات نهادهای قدرتمند جهانی، به یک رویه تبدیل شود. به همین دلیل در متن قطع‌نامه شورای امنیت تصریح شده بود برجام و مفاد آن نباید به منزله ایجاد رویه برای سایرین محسوب شود و قطع‌نامه شورای حکام نیز ضمن مخته‌موه اعلام‌کردن موضوع «بی‌ام‌دی» و ابطال ۱۲ قطع‌نامه پیشین، «تاکید می‌کند که راستی‌آزمایی و نظارت آژانس بر تعهدات مرتبط هسته‌ای ایران که در برجام پیش‌بینی شده است نباید به‌عنوان ایجاد سابقه‌ای برای رویه‌های استاندارد راستی‌آزمایی آژانس تلقی شود و همچنین تاکید می‌کند که این امر نباید طوری تفسیر شود که به هر نحوی با حقوق و تکالیف آژانس برای راستی‌آزمایی تبعیت دولت‌ها از موافقت‌نامه‌های پادمانی آنها و در موارد مرتبط با پروتکل‌های الحاقی و گزارش آنها به شورای حکام تعارض پیدا کند یا آنها را تغییر دهد». گذشت زمان نشان خواهد داد که از این پس، قدرت‌های بزرگ برای جلوگیری از نشر دانش هسته‌ای (در ارتباط با غنی‌سازی و چرخه سوخت)، به هر نحو ممکن در برابر هرگونه تلاش سایر کشورها برای ورود به این جرگه خواهند ایستاد تا دیگر، موردی مانند ایران تکرار نشود.

شرق: مشکلات ساختاری اقتصاد ایران پیش از اعمال تحریم‌ها به‌وجود آمده بود و همین مسئله باعث شد بنیه ضعیف اقتصاد ایران در برابر تحریم‌ها تاب نیاورد و کاخ‌های ساخته‌شده در آمال مردم، با اولین شوک ناشی از تحریم، فرو ریزد. دولت‌مردان بهبودی اوضاع اقتصادی را به لغو تحریم‌ها مربوط و منوط کردند و تا رسیدن موعد لغو، با سیاست‌هایی بر آن شدند تا اقتصاد را از رکود خارج کنند، اما طبق نظر کارشناسان، در سیاست‌های اقتصادی دولت، منابع ملی به خدمت منافع گروه‌های قدرت درآمده و منافع ملی نادیده بدون رانت و فساد، بازده و سود نخواهد داشت و در این شرایط، تنها هدف سرمایه‌گذاران خارجی برای ورود به فعالیت‌های اقتصادی، غارت، با استفاده از رانت و فساد موجود، خواهد بود. فرشاد مؤمنی، عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی و محمد قاسمی، معاون پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، در نشست علمی «چالش‌ها و چشم‌انداز میان‌مدت کشور» به بررسی وضعیت موجود و بایسته‌های گذار از این وضعیت به وضعیت مطلوب پرداختند.

بنیه ضعیف اقتصاد با تحریم‌ها نمایان شد محمد قاسمی، معاون پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر شوک‌های زیادی را شاهد بوده است اما کارشناسانی که با اقتصاد ایران سروکار دارند، می‌دانند که شوک کاهش قیمت نفت، که یک‌بار درآمد نفتی کشور را در سال ۹۴ نسبت به دوره رونق نفتی در سال ۹۰ به یک‌چهارم تقلیل داد، به تنهایی برای واردکردن کشور به دوره سخت اقتصادی، کافی بود. اقتصاد ایران در دهه گذشته در حالی شوک‌های شدید را شاهد بود که وابستگی زیادی به صادرات نفت است. یعنی اقتصادی مبتنی بر صادرات نفت و واردات که کیفیت رشد آن نیز پایین بوده و رشد اقتصادی، اشتغال چندانی ایجاد نکرده و عملاً به بهره‌رو عوامل وابستگی چندانی نداشته بلکه بیشتر به سرمایه و نیروی کار وابسته بوده است. در چنین شرایطی تحریم‌های اقتصادی از طریق تأثیرگذاری بر واردات و صادرات نفت و محصولات غیرنفتی، توانست اقتصاد را تقریباً فلج کند. حال اگر بخواهیم به چشم‌انداز کوتاه‌مدت اقتصاد کشور بپردازیم، از منظر محیط بیرونی با ناامنی‌های خاورمیانه، تحریم‌ها، افت قیمت نفت و رکود اقتصاد جهانی روبه‌رو هستیم و در محیط داخلی نیز وضعیتی در بحث محیط کسب‌وکار داریم که توسعه اقتصادی را با چالش روبه‌رو می‌کند. در کوتاه‌مدت، انتظار رفع یا کاهش تحریم‌ها را داریم اما هم‌زمان انتظار باقی ماندن قیمت نفت در همین سطوح نیز وجود دارد. همچنین انتظار داریم وضع اقتصاد جهانی اندکی بهبود پیدا کند و رشد اقتصاد جهانی از ۳٫۱ به ۳٫۶ برسد و در کنار اینها، انتظار نداریم در محیط داخلی اتفاق چندان مؤثری در جهت بهبود محیط کسب‌وکار اتفاق بیفتد؛ این محیطی است که اقتصاد ایران باید در کوتاه‌مدت با آن مواجه

اقتصاد

هشدار قاسمی نسبت به روشن نبودن قواعد تصمیم‌گیری در حوزه‌های کلیدی:

سرمایه‌گذاران خارجی در شرایط فعلی فقط برای غارت می‌آیند



مرحله به نظر می‌رسد دولت بر سر دوراهی است. راه اول، ادامه همان مسیری است که کشور به‌ویژه در ۵۰ سال اخیر، طی کرده است. مثلاً حالا گفته می‌شود قصد داریم یک میلیون بشکه نفت به ظرفیت صادرات اضافه کنیم. به فرض اینکه قیمت هر بشکه نفت ۵۰ دلار باشد، روزانه ۵۰ میلیون دلار درآمد نصیب کشور می‌شود که در طول سال، به بالای ۱۸ میلیارد دلار می‌رسد. بخشی از این مبلغ سهم صندوق توسعه ملی و بخشی نیز سهم شرکت ملی نفت است. در این میان ممکن است سیاست‌مداران با توجه به انتظاراتی که وجود دارد اقدام به تزریق این منابع کنند چراکه صف طولانی برای دسترسی به این پول وجود دارد. راه اول این است که به شیوه ۵۰ سال اخیر، این پول را به اقتصاد تزریق کنیم تا بخشی از ظرفیت‌های خالی اقتصاد، ناشی از کمبود ارز و کاهش واردات و بخشی از تقاضا را تحریک کنیم که دراین‌صورت به نرخ رشد حدود چهار تا پنج درصدی می‌رسیم. راه دوم این است که بپذیریم برای اولین‌بار، مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری را هم‌زمان با اصلاحات کوتاه‌مدت شروع کنیم. اگر آن ۱۸ میلیارد دلار پولی که در فرضیه ما وجود دارد همه را به دولت بدهیم و وارد همین طرح‌های سرمایه‌گذاری موجود شود، اظهر من الشمس است که حتی اگر کامل هم شود، اثری بر بنیه اقتصادی کشور نخواهد داشت و عمداً مرکز هزینه‌ای جدید خواهد بود و لغو تحریم‌ها نیز که مقدمه افزایش صادرات نفت و حصول آن سرمایه ۱۸میلیارددلاری است اثر پایداری بر رشد اقتصادی نخواهد داشت. اکثر کارشناسان با گزارش‌های مستدل نشان می‌دهند که راه‌اندازی طرح‌های پتروشیمی محور شرق کشور و مجموعه طرح‌های فولادی نیمه‌تمام کشور، بازدهی اقتصادی ندارند و اثری بر رشد اقتصادی نخواهند داشت. بنابراین واقعیت این است که در وضعیت فعلی جدرکدن وضعیت کوتاه، میان و بلندمدت از یکدیگر اشتباه استراتژیکی دولت خواهد بود. نقطه آغاز اصلاحات نهادی باید همین امروز باشد و فردا در دست. ما به سیاست‌مدارانی احتیاج داریم که بتوانند منابع گروه‌های مختلف را در جیبی قرار دهند که موجب تأمین منافع ملی در بلندمدت شود. شاید مجلس بعدی بیشتر از اینکه به شلیغ‌کاران نیاز داشته باشد به آدم‌های کارکنشته سیاسی احتیاج دارد که بتوانند همه منافع گروه‌های سیاسی، نظامی و اجتماعی را برپایه مورد حوصله که بدون زدودن سیاسی، آرامش ناشی از این وضعیت در جهت منافع ملی قرار بگیرد. این سیاست‌مداران در کشورهایی مانند ترکیه و مالزی دستاوردهای شگفتی داشته‌اند. نکته یابانی به سیاست‌گذاری اقتصادی برمی‌گردد؛ واقعیت این است که ابهام در قیمت‌های کلیدی مانند نرخ سود، قیمت

انرژی و نرخ ارز، هیچ پروژه‌ای را قابل تحلیل هزینه و فایده نمی‌کند. بحث بر سر کاهش یا افزایش قیمت‌های کلیدی نیست بلکه انتظار حداقلی این است که نظام سیاست‌گذاری اقتصادی قواعدی را برای یک مدت‌زمان مشخص معرفی کند تا فعال اقتصادی توان برنامه‌ریزی برای آینده را داشته باشند. اگر واقعا قرار باشد تحولی ایجاد شود، باید حداقل قواعد تصمیم‌گیری در حوزه‌های کلیدی اقتصاد را روشن کنیم تا تکلیف سرمایه‌گذار نیز مشخص شود. سرمایه‌گذاری خارجی در شرایط فعلی وارد نمی‌شود مگر برای غارت. اگر دولت در این حوزه‌ها کاری نکند واقعیت این است که رونق به وجود خواهد آمد و به‌سریعت نیز از بین خواهد رفت.

زور رانت‌جویان به منافع ملی می‌چربد فرشاد مؤمنی، عضو هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

وقتی بحث برنامه میان‌مدت مطرح می‌شود، به سه نوع دانایی، شامل داشتن تصویر روشنی از وضع موجود، داشتن تصویر روشنی از وضع مطلوب و دانستن یک فهم نظری و روشمند برای دانستن بایسته‌های گذار از وضع موجود به وضع مطلوب، نیاز پیدا می‌کنیم. با همه ابهامات و کاستی‌هایی که در به‌دست‌آوردن یک تصویر از واقعیت‌های موجود، هست، انبوه نبود شفافیت‌های جهت‌دار و مبتنی بر منافع گروه‌های پرنفوذ نیز مشکلاتی را برای به‌دست‌آوردن یک فهم دقیق و همه‌جانبه ایجاد می‌کند، اما در همین حدی که داده‌های رسمی اجازه می‌دهند، می‌فهمیم که واقعیت‌های موجود، پرچالش و نگران‌کننده است. در مقام تحلیل، به اعتبار همین داده‌ها و مطالعات روندی، می‌توانیم بفهمیم کانسون اصلی گرفتاری‌های ما به نظام تصمیم‌گیری و تخصیص منابع مربوط می‌شود، نه به عوامل بیرونی. در مجموعه بدنه تصمیم‌گیری اقتصادی کشور، حتی تا مرز مشاوران رئیس‌جمهور، یک نگرش یک‌سویه و تک‌بعدی مسلط دیده می‌شود و تقریباً بیش از سه‌چهارم از گرفتاری‌هایی که در ربع قرن اخیر برای اقتصاد ایران به وجود آمده، متعلق به همان بینشی است که آقای رئیس‌جمهور برای حل‌وفصل مسائل به آنها اتکا کرده است. حال اینکه اگر اینها قادر بودند مسائل را درست ببینند، اساساً چنین سرنوشتی برای اقتصاد ایران پدید نمی‌آمد. دولت، به معنای تیم اقتصادی قوه مجریه، انگیزه ارانه تحلیل‌های واقع‌بینانه و عالمانه از چرایی شکل‌گیری این اوضاع را نیز ندارد؛ چراکه بیش حاکم بر مدیریت اقتصاد کشور، همان بینشی است که این اوضاع را در ربع قرن اخیر و با ابعاد بسیار شکننده‌تر در ۱۰ سال اخیر، برای ایران رقم زده است. مطالعات مستند و رسمی نشان می‌دهد اثر تخریبی شوک‌های درونی که برجسته‌ترین نهاد و نمود آن دست‌کاری قیمت‌های کلیدی در ربع قرن اخیر بوده، به‌مراتب بیشتر از شوک‌های بیرون‌زا، فساد، شکنندگی، تخریب و فاجعه برای جامعه ایران ایجاد کرده است. فهم این مسئله، بایسته‌هایی به همراه دارد که از منظر اقتصاد سیاسی هم دولت انگیزه و توان کافی برای روبه‌روشدن با آنها را ندارد. در چنین شرایطی، در مقام تصویر و توصیف واقعیت‌ها با مشکلات عدیده روبه‌رو هستیم.

ادامه در صفحه ۵

وزیر راه و شهرسازی در اعتراض به توقف گرانی بلیت قطار:

نهادهای سوسیالیستی و مارکسیستی منحل شوند



دارد. آخوندی افزود: نظام بنگاه‌داری در ایران با چوب‌حراج‌زدن به معادل صد میلیارد دلار سرمایه بنگاه‌های دولتی با مشکل بنیادی مواجه شده است. امروز ما هزینه بی‌توجهی دولت‌های قبلی را می‌دهیم و اگر امروز ما هم تصمیم نگیریم و بی‌اراده باشیم، هزینه این بی‌ارادگی ما را نسل‌های بعد از ما باید بپردازند. وزیر راه و شهرسازی تاکید کرد: توسعه حمل‌ونقل ریلی در ایران هم با مشکل مواجه خواهد شد اگر در تحقق اهداف خود عزم و اراده کافی نداشته باشیم. وی به ورود سازمان حمایت به نرخ‌گذاری بلیت قطار اشاره کرد و گفت: عدای در کشور به دنبال ادامه‌دار بودن نگرش‌های سوسیالیستی و مارکسیستی هستند تا نرخ‌گذاری و کنترل قیمت‌ها را ادامه دهند و مانع توسعه شوند. این بساط حضراتی که دست در جیب مردم می‌کنند، فقط ادامه نگرش‌های سوسیالیست و مارکسیست است درحالی‌که

کشور سوده‌ده شوند. محسن پورسیدآقای اظهار کرد: ما هزینه‌ای از شرکت‌های ریلی دریافت نمی‌کنیم و این باید به صورت شفاف و مشخص باشد که در این راستا ردیفی به عنوان یارانه در بودجه شرکت راه‌آهن به صورت مشخص خواهیم داشت که جزء مصوبات مجمع راه‌آهن است. مدیرعامل راه‌آهن تاکید کرد: بخش خصوصی باید در پروسه‌ای ۱۰ساله در اقتصاد کشور سوده‌ده شود؛ ما باید به همین سمت حرکت کنیم و بر مبنای استقلال بخش خصوصی کام بداریم. البته در این راستا لازمه رشد صنعت ریلی، آزادسازی نرخ‌های حمل، اصلاح ساختار اقتصادی کشور و واقعی‌سازی نرخ انرژی است. وی گفت: دولت باید به این نتیجه برسد که نه‌تنها نرخ تمام‌شده سوخت را دریافت کند بلکه تا ۷۰ درصد مازاد بر نرخ سوخت مالیات بر ارزش‌افزوده اخذ کند. مدیرعامل رجا نیز در این همایش گفت: سازمان حمایت هم می‌دانست افزایش متوسط هشت‌درصدی قیمت بلیت قطار، هزینه‌های بخش ریلی را پوشش نمی‌دهد، اما بخش ریلی مسافری به گران‌فروشی متهم شد. سیدحسن موسوی‌نژاد اظهار کرد: سرمایه‌گذاری در بخش ریلی کشور بسیار پرهزینه و دیربازده است و همین حساسیت سرمایه‌گذاری در بخش ریلی را بالا می‌برد. مدیرعامل انجمن صنفی شرکت‌های حمل‌ونقل ریلی به ورود سازمان حمایت به افزایش اخیر قیمت بلیت قطار اشاره کرد و گفت: متأسفانه در توسعه ریلی کشور هزاران دستگاه ورود می‌کنند؛ سرمایه‌گذاری‌ها برای ورود به بخش حمل‌ونقل ریلی، با مشکلاتی نظیر مجوزهای وزارت صنعت و معدن، بیمه، مالیات، تأمین اجتماعی و... مواجه است.

دوست ارجمند جناب آقای دکتر شاپور اعتماد

درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت می‌گوییم

و خود را در اندوه شما شریک می‌دانیم.

همکار محترم سرکار خانم برات زاده

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می‌کنیم.

مدبران و کارکنان نشر مرکز

بورس

بازاری قرمزرنگ ثمره مدیریت پالایشی‌ها

مهران کاویانی جویباری تحلیلگر بازارهای مالی

● شاخص بورس در اولین روز هفته با کاهش شدید همراه شد و ۴۱۳٫۲۸ واحد افت را تجربه کرد. ارزش معاملات بورس برابر ۱۲۲ میلیارد تومان بود، گرچه این مقدار در مقایسه با آمار معاملاتی هفته قبل رشد داشته است، دلیل آن وجود صف‌های فروش در شرکت‌های بورسی و ریزش شدید قیمتی سهام است. با بررسی شاخص می‌توان شاهد رهبری بازار توسط شرکت‌های پالایشی بود. این کاهش در راستای ارتباط مستقیم قیمت سهام شرکت‌های این گروه و قیمت محصولات آن با قیمت فروش نفت در بازارهای جهانی رخ داده است. در بازار جهانی شاهد افت شدید قیمت نفت و محصولات مشتق‌شده آن هستیم، به‌تبع این امر انتظار بازار از این صنعت با بار منفی روبه‌رو شده است و دلیل این ریزش را می‌توان رابطه علی-معلولی ذکرشده دانست. با توجه به ارزشی که شرکت‌های نفتی، پالایشی و پتروشیمی در بازار دارند، مجدداً کاهش شدید آنها توان جهت‌دهی به نوسانات بازار را نمایان ساخت. فلزات اساسی، منجر به ادامه کاهش قیمت محصولات فولاد و فلزات اساسی، منجر به ادامه سیر کاهش قیمت‌ها شده است. گروه خودرو، صنعت حمل‌ونقل نیز با موج شکل‌گرفته کاهش شاخص و منفی‌شدن قیمتی سهام همراه شدند و کاهش قیمتی تجربه کردند. شرکت‌های ایران‌خودرو و کشتی‌رانی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان شرکت‌های بزرگ صنایع ذکرشده، به مراتب کاهش بیشتری داشتند. در نهایت گروه بانکی هم شاهد کاهش در ارزش بود و دو بانک تجارت و ملت که ارزش قابل توجهی در این صنعت دارند، بیشترین اثر منفی بر شاخص را گذاشتند. بحث پیرامون کاهش مجدد نرخ بانکی و رسیدن به نرخ ۱۸ درصد همچنان مطرح است اما اجرائی شدن آن با شرایط استراتژیک بازار پول برای هدایت نقدینگی و اینکه اقتصاد ایران، یک اقتصاد بانک‌محور است، دور از ذهن است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تمام صنایع تولیدی و شبکه واسطه‌گری مالی در شرکت‌های بزرگ خود شاهد کاهش ارزش بودند که نشان از آمادهباش بازار سرمایه برای کاهش با توجه به اخبار سیستماتیک اقتصاد کلان است. در معاملات دیروز این شاخص را این توان قیمت نفت دانست. با توجه به نزدیک‌شدن زمان ارائه بودجه توسط دولت، پیش‌بینی می‌شود که دولت بودجه سال بعد را انبساطی، اما نه در بخش بودجه جاری، ارائه دهد. با توجه به اینکه منابع درآمدی دولت از سه منبع وگذاری دارایی تحت مالکیت دولت، مالیات و واردات نفتی است، بعید است که بتوان بودجه انبساطی و تزریق نقدینگی را برای سال بعد متصور شد. در شرایط موجود، درآمدهای نفتی کاهش شدید پیدا کرده است. مالیات را بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی زیاد می‌دانند و کاهش شدیدی درباره افزایش آن وجود دارد و در نهایت دولت برنامه‌ای برای واگذاری دارایی‌ها ندارد، در نتیجه تزریق نقدینگی در صنایع و بخش تولید را نمی‌توان محتمل دانست.

عنوان/شاخص	مقدار	تغییر
کل	۶۱۷۳۴	-۴۱۳٫۲۸
شاخص قیمت	۲۴۰۳۱٫۴	-۱۶۰٫۹۵
شاخص کل (هموزن)	۹۵۱۵٫۴	-۹۶٫۰
شاخص قیمت (هموزن)	۸۰۷۶۵	-۸۱٫۹۰
آرژاد شاور	۶۷۵۹۳۰	-۶۵۱٫۲۷
۵۰ شرکت بزرگ	۲۵۱۳۴	-۱۷٫۲

ارز و طلا

بازارهای تعطیل

● **شرق:** دیروز بازارهای ارز و سکه تعطیل بودند، هرچند همه فعالان ارز و سکه در بازار حضور داشتند، یکی از علل این اتفاق شهادت امام حسن عسکری (ع) و دیگری واهمه دلالان از پلیسی شدن بازار بود. با توجه به همین دو دلیل، مکتضای قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه، در گفت‌وگو با «شرق» بازارها را به اصطلاح تعطیل می‌نامد: دیروز دلار در حال کاهش بود و از سه‌هزارو ۶۴۵ تومان صبح به سه‌هزارو ۶۳۳ تومان در زمان بسته‌شدن بازار رسید. اونس جهانی طلا هم با هزارو ۶۶ دلار به تعطیلات رفت و با وجود تعطیلی بازارهای جهانی طلا و بانک قیمت دلار، سکه صعودی شد و در معاملات آخر وقت نسبت به معاملات صبح سه هزار تومان افزایش نشان داد.

ارز *	قیمت (دلار)	تغییر
دلار آمریکا	۳۶۲۳۳	-۱۴
یورو	۳۹۷۸	-۲
پوند	۵۴۵۵	-۲۵
درهم	۹۹۸	-۴

طلاو سکه *	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۱۷۰۰۰	+۶۰۰۰
طرح قدیم	۹۱۵۵۰۰	+۵۵۰۰
نیم	۴۶۵۰۰۰	-۱۰۰۰
ربع	۲۵۸۰۰۰	-۱۰۰۰
گرمی	۱۶۸۰۰۰	-
گرم ۱۸ عیار	۹۳۴۸۰	-۲۰
اونس * (دلار)	۱۰۶۶	+۱۱

بیزنر هستی و

۱۱سال صیوری کرد. درد در همه سلول‌های بدنش لانه کرده بود و با رنج همسایه شد اما برای لحظه‌ای، خنده‌ها، نگاه و کلام مادران‌اش خموده نشد و ما را رها نکرد. اگر نبود تمنای عاشقانه برای زندگی که ما دست روی شانه‌اش بگذاریم و بایستیم، درد همسرم، استخوان در بدنمان خرد می‌کرد. او خیمه‌ای از عشق بود که من و فرزندانمان – آرمین و ثمین – زندگی را در سایه‌اش مزمره می‌کردیم و حالا باور نمی‌کنیم که مرگ از راه رسیده است و هیبت، شکوه و مادر زندگی ما را با خود برده است. می‌دانم که این تلخ‌ترین اتفاق روزگار و دوران زندگی ما خواهد بود اما یقین داریم تا ابد در هر ثانیه از زندگی ما جاری است و لحظه‌به‌لحظه از عمق جان صدایش خواهیم زد. همین حالا همسرم، جایی روشن از آسمان ایستاده و دل‌دل‌زدن‌های مادران‌اش را مثل باران روی زمین می‌ریزد و ما آن را با تمام وجود حس می‌کنیم. این روزها درد ندیدن سیمای او را فقط گریستن و حضور شما بزرگواران که رسم رفاقت را زنده کرده‌اید سبک می‌کنند. می‌خواهم از همه شما ارجمندان، از دکتر علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و بودن‌هایش در روز و شب‌هایی که همسرم شهلا کشاورزنازاد بار سفر می‌بست، از دکتر محمد فطانت، رئیس محترم سازمان بورس که در واپسین روزهای کاری آن مرحوم آرامشی به‌یادماندنی به همسرم هدیه داد، از معاونان، مدیران و همکاران همسرم در بورس و حوزه بازار سرمایه، از دانشگاهیان و البته همکاران همدلم در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به خاطر مرهمی که بر زخم‌های ما گذاشتند و سرانجام همه دوستان و رفقایم که وجودشان سایه شد تا زیر سایه محبت و حضور آنها، من و فرزندانم، با درد همسرم خموده نشویم، تقدیر کنم، شما دوستان روزنامه‌نگارم، بستگان همراه و دو پزشک وظیفه‌شناس و ارجمند؛ آقایان دکتر مدنی و دکتر خوشنویس در همه این سال‌ها، پناهگاه ما بودید. سپاس از اینکه هستی و دست از روی شانه خانواده کوچک ما بر نمی‌دارید. پاینده باشید.

بیزنر هستی و